

Literary Criticism of the Book “The Lady and the Commander” Based on Resistance Literature

Hossein Mohammadi Mobarez¹, Hamed Safi²

Type of article: Original research

Received: 02 January 2025, Accepted: 13 August 2025

Doi: 10.22034/rri.2025.2049693.1048

Abstract

Resistance Literature symbolizes endurance against inequalities. The genre of these literary creations is epic narrative. One such work is the recommended book, *Khatoon va Qomandan* (The Lady and the Commander), in which the author, Maryam Ghorbanzadeh, recounts the life and perseverance of Umm-ul-Banin Hosseini, the wife of the martyr Alireza Tavassoli/Abu Hamed (Commander of the Fatemiyoun Division). The fundamental basis of this work is epic, employing a narrative style. Therefore, the present study examines the book *Khatoon* using an analytical-explanatory method from the perspectives of its linguistic and literary domain and its intellectual domain. This essay, following an analysis of the book's compositional method, applies standard, documented literary criticism to highlight the work's strengths and examine its literary devices. The study's main finding is the importance of cohesive, structured texts in Resistance Literature, which can lay a foundation for the longevity of Persistence Literature. Furthermore, the explanation of the book's realistic occurrences and surrealistic ideals is significant because Resistance Literature and its enduring works will persist. Consequently, the researcher concludes that the author's objective is to motivate action and uprising against oppression.

Keywords: Literary criticism, Khatun and Commander, Resistance literature

1. Professor, Farhangian University, Taleghani Campus, Qom, Iran (Corresponding author).

Email: hmm110@chmail.ir

 0009-0008-6896-5809

2. Associate Professor, Department of General Studies and Basic Sciences, Khorramshahr University of Marine Science and Technology, Khorramshahr, Iran.

Email: safi@kmsu.ac.ir

 0000-0002-4104-5163

نقد ادبی کتاب «خاتون و قوماندان» بر مبنای ادبیات پایداری

حسین محمدی مبارز^۱، حامد صافی^۲

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

DOI: 10.22034/rrl.2025.2049693.1048

چکیده

ادبیات مقاومت، نماد پایداری در برابر نابرابری‌هاست. نوع نوشتار این گونه آفرینش‌های ادبی، نوع حماسی-روایی است. یکی از این آثار، کتاب تقریظی *خاتون و قوماندان* بوده که نویسنده (مریم قربان‌زاده)، در آن به روایت زندگانی و پایداری‌های «ام‌البین حسینی»، همسر شهید علیرضا توسلی / ابوحامد (فرمانده لشکر فاطمیون) پرداخته که بن‌نمایه اثر، حماسی با شیوه روایی است. از این رو پژوهش پیش رو به کتاب *خاتون و شیوه تحلیلی-توضیحی* از منظر قلمرو زبانی و ادبی (سبکی) و قلمرو فکری (مکتبی)، نگریسته است. این جستار پس از تحلیل در چگونگی نگارش کتاب، با نقد ادبی مستند و معیار، نقاط قوت اثر را برجسته ساخته و به واکاوی آرایه‌های آن پرداخته و دستاورد تحقیق را اهمیت دادن به نوشتارهای منسجم و ساختارمند ادب مقاومت دانسته که می‌تواند مبنایی بر پایداری در ادبیات پایداری باشد. توضیح رخدادهای رئالیستی و آرمان‌گرایی‌های سوررئالیستی کتاب نیز از آن روی، مهم است که ادبیات مقاومت و آثار پایداری، پایا خواهد ماند. پژوهنده در نتیجه، هدف نویسنده را ایجاد انگیزه برای جنبش و خیزش در برابر ستمگری‌ها شناسانده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی، خاتون و قوماندان، ادبیات پایداری

۱. استادمعلم دانشگاه فرهنگیان، پردیس طالقانی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hmm110@chmail.ir

0009-0008-6896-5809

۲. دانشیار گروه مطالعات عمومی و علوم پایه، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، خرمشهر، ایران.

Email: safi@kmsu.ac.ir

0000-0002-4104-5163

۱. مقدمه

کتاب تقریظی *خاتون و قوماندان*، روایت زندگی «أم البنین حسینی»، همسر شهید علیرضا توسلی / ابوحامد (فرمانده لشکر فاطمیون) است که به قلم «مریم قربانزاده» نگاشته شده و درونمایه آن با مکاتب «کلاسیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سوررئالیسم، ناتورالیسم»^۱، همسو است. اما جدای از نوع ادبی «حماسی Epic»، عواطف و وقایع آن دربردارنده: انواع دیگر ادبی از گونه‌های «روایی Narrative»، «تعلیمی Didactic»، «طنز Irony»، و «غنایی Lyric»^۲ است. شگفت آنکه در بنای حماسه‌آفرینی‌های این کتاب، نقش مبنایی زن در کنار مرد آشکار است. یعنی، عاطفه و پایمردی غنا و حماسه با عشق و عقل همراه شده است. شرح گذشت‌ها و پایمردی‌های آبرمردها در برابر هجوم نابرابری‌ها را می‌توان در ادبیات پایداری آشکار کرد. از آنجا که مقاومت در برابر ستم از دید جوامع ارزشمند است. از این رو ادبیات مقاومت در جغرافیای انسانی، مکانی به وسعت دنیا را در بر گرفته و نقد ادبی و سنجش آثاری از آن دست نیز نقش بسزایی داشته است.

به هر روی، کتاب *خاتون و قوماندان* از شیوایی و رسایی خوبی برخوردار است. زیرا از علم معانی که دانش منظورشناسی با منطق ادبیات بوده، بهره برده و با علم بیان و صنایع بدیع لفظی و معنوی نیز، ساخته و پرداخته شده است. از این رو اثری است که شایسته تقریظ شده و این سخن که: «چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد» (حافظ، ۱۳۹۳: غزل ۱۵۴، بیت ۸)، در سیر منطقی آن مشهود است.

۲. بیان مسئله

ادبیات پایداری / مقاومت^۳ از نوع ادبی «حماسی» با جهان‌بینی تعلیمی بوده و ارزش ادبی آن نیز بر پایه علوم بلاغی است. از آنجاکه بنای هر نوشتار ادبی بر مبنای شیوایی و رسایی (فصاحت و بلاغت) بوده است؛ بر این پایه، بررسی علوم بلاغی آن بایسته به نظر می‌رسد تا چرایی و میزان تأثیر، التذاذ و اقناع ادبی اثر، برای مخاطب سنجیده شود. یکی از این آثار ادبی که به نظر بر مبنای دانش معانی و بیان و صنعت بدیع، ساخته پرداخته شده، کتاب تقریظی *خاتون و قوماندان* به قلم «مریم قربانزاده» است که برای نشان دادن پایمردی‌های «ابوحامد / فرمانده لشکر فاطمیون افغانستان» و ایجاد انگیزه برای جنبش و خیزش در برابر نابرابری‌ها،

نگاشته شده است. اما این جستار به شیوه تحلیلی - توضیحی، کتاب *خاتون و قوماندان* را کاویده و به نقد آن پرداخته و هدف اصلی پژوهش نیز، اهمیت دادن به نقد ادبی و سنجش آثار حماسی بوده تا عیار آفرینش‌های ادب پایداری، آشکار شود. نتیجه آنکه شایسته است بلاغت در آثار حماسی با نقد و بررسی آن، برجسته گردد. همچنین از دیدگاه مکتب فکری، باید دانست که ادبیات جبهه مقاومت، به وسعت جهان‌بینی آن بوده و فراتر از مرزهای جغرافیای است.

۳. پیشینه و ضرورت پژوهش

کتاب‌های بسیاری با موضوع ادبیات پایداری از قلم نویسندگان بانو، نگاشته شده است. مانند: کتاب *خانم کارکوب*، روایت زندگی مادر شهید کارکوبزاده، به قلم رضیه غبیشی؛ و کتاب *تنها گریه کن*، روایت زندگی اشرف سادات منتظری / مادر شهید محمد معماریان، به قلم: اکرم اسلامی با بیش از هفتاد بار چاپ. اما بسامد نقد علمی (نه صرفاً یادداشت ساده) برای این دست از روایات مقاومت، بسیار ناچیز و نایاب است. چراکه به نظر می‌رسد برای بالندگی این نوع ادب حماسی، جای نقد ادبی، لازم باشد. از این رو نقد ادبی کتاب «خاتون و قوماندان»، که بدون پیشینه بوده، به این دو دلیل بایسته به نظر می‌رسیده است. یکم: فرامیزی بودن این اثر که «خاطرات پایمردی‌های ابوحامد / فرمانده لشکر فاطمیون افغانستان» است و دوم اینکه با نقد و ارزیابی کتاب «خاتون و قوماندان»، محور ادبیات پایداری، فصلی نو در اتحاد جبهه مقاومت، فراتر از مرزهای ایران، ایجاد خواهد کرد.

۴. اهداف پژوهش

- ۴.۱. آشکارسازی حماسه‌آفرینی‌های جبهه مقاومت.
- ۴.۲. نشان دادن نقش مبنایی زن در کنار مردان مقاومت.
- ۴.۳. اهمیت‌بخشی به حماسه‌سازی و ادبیات پایداری.
- ۴.۴. شرح پایمردی‌های آبرمردان در برابر هجوم نابرابری‌ها.
- ۴.۵. اهمیت دادن به نقد ادبی و سنجش آثار ادبیات مقاومت.

۵. مبانی نظری و یا چهارچوب مفاهیم

این جستار، چهارچوب مفاهیم خود را برای نظریه‌پردازی و ارزش‌سنجی کتاب «خاتون و قوماندان»، چنین پیش

۹. یافته‌های پژوهش

نقد ادبی کتاب تقریظی «خاتون و قوماندان»، برای رسیدن به یافته‌های پژوهش، در بخش‌های «قلمرو زبانی، ادبی (سبک)» و «قلمرو فکری (مکتبی)» به شکل زیر پیش رفته است:

۱. ۱. ۹. قلمرو زبانی

مختصات زبانی هر متن، دامنه گسترده دارد که می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. بخش واژگانی: از این دریچه می‌شود به متن از دیدگاه پارسی بودن یا فارسی نبودن کلمات و رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمن، تناسب) نگریست.

۲. بخش دستوری: از این منظر می‌توان به چینش کلمات در جملات و شکل دستوری متن و ترکیب‌های زبانی آن نگاه کرد.

۱. ۱. ۹. مختصات زبانی کتاب خاتون

واژه «خاتون» در معنای: «بزرگ / بانو»^۶ و معنی کلمه «قوماندان» نیز «بزرگ / فرمانده» است. به نظر می‌رسد که لفظ «قوماندان»، ترکیبی از: «قوم+ان» + «دان» باشد. از این رو، قومان: جمع قوم است. چنانچه در کتاب «خاتون»، نیز «قومان»^۷: «نزدیکان/خویشان»^۸ معنا شده و اما «دان»، پسوند معنا ساز است. یعنی: «نگاه دارنده». بنابراین، «قوماندان» یعنی نگهدارنده، نگهبان و حافظ قوم و فرمانده قبیله است. جدای از این کلمات، بسامد بالای واژگان «پارسی دری» در کتاب خاتون، نوشتار را استوار ساخته که می‌توان به برخی از آن واژگان با رابطه معنایی «ترادف»، نگریست.

۲. ۱. ۹. بخش واژگان

«تشناب: گرمابه» (ص ۱۱)؛ «چاینک: قوری» (ص ۱۸)؛ «سُتره/سُتردن: پاک کردن» (ص ۲۴)؛ «بچگک: طفلک» (ص ۲۵)؛ «خینه: حنا» (ص ۵۸) (در واقع، خینه / خین = خون بوده و حنا نیز هم‌رنگ خون است)؛ «دسترخوان: سفره» (ص ۶۸)؛ «سید: مزدگانی» (ص ۷۴)؛ «چو: معروف / شناخته شده» (ص ۱۳۹)؛ «شیربخ: بستنی» (ص ۱۵۳)؛ «چوری: النگو» (ص ۱۵۳)؛ «کومه: گونه / لُپ» (ص ۱۶۶)؛ «افگار: زخمی / خسته» (ص ۲۱۲)؛ «کُندها:

برده که: اثر را از دریچه سبکی (زبانی و ادبی) - مکتبی (فکری)، نقد کرده و نقاط قوت نوشته و زیبایی‌های حماسه و پایداری آن را برجسته ساخته است. اما نوع نقدی را که پژوهنده از میان نقدهای دیگر^۹، بر این کتاب داشته، نقد مستند یا معیاری^{۱۰} (Judicial criticism) است.

در این نوع نقد سعی بر این است که نه تنها بین اثر و خواننده ارتباط ایجاد شود بلکه تأثیر و کنش (effects) اثر ادبی به لحاظ، موضوع شکل و ساختار، تکنیک و صناعت تجزیه و تحلیل و روشن شود. یعنی علت تأثیر را هم توضیح دهند. در این نقد، قضاوت منتقد بر مبنای محک‌هایی است (شمیسا، ۱۳۹۱: ۴۵).

۶. فرضیات

۶. ۱. نقد و بررسی آثار ادبیات جبهه مقاومت، نقش والایی در آشکارسازی پایداری‌های ابرمردان در برابر هجوم نابرابری‌ها خواهد داشت.

۶. ۲. اهمیت دادن به نقد ادبی و سنجش آثار مقاومت، مکتب درسی را به مکتب پویا تبدیل می‌کند.

۶. ۳. نشان دادن نقش مبنایی زن در کنار مردان مقاومت، انگیزه پایداری را در جامعه تقویت می‌کند.

۶. ۴. اهمیت به آثار حماسی، می‌تواند انقلابی در آفرینش ادبیات پایداری ایجاد کند.

۷. سؤالات

۷. ۱. نقد و بررسی آثار ادبیات جبهه مقاومت، چه نقش در تبیین پایداری‌های ابرمردان در برابر هجوم نابرابری‌ها خواهد داشت؟

۷. ۲. آیا نقد ادبی و سنجش آثار مقاومت، می‌تواند مکتب درسی را به مکتب پویا تبدیل کند؟

۷. ۳. جایگاه زن در نقش آفرینی همپای مردان مقاومت، چه میزان می‌تواند انگیزه پایداری را در جامعه تقویت می‌کند؟

۷. ۴. آیا اهمیت بخشی به آثار حماسی، می‌تواند انقلابی در آفرینش ادبیات پایداری ایجاد کند؟

۸. روش پژوهش

این جستار به شیوه تحلیلی - توضیحی، کتاب «خاتون و قوماندان» را از منظر دانش منظورشناسی (علم معانی) و علم بیان و بدیع، کاویده و به نقد آن پرداخته است.

شد: کنایه از فریاد و قهر» (ص ۱۵)؛ «دخترم را تیار کن» (ص ۳۴)، «کنایه از آماده/فراهم کردن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۴۲)؛ «فوت و فن را بلد بودم» (ص ۳۵) «کنایه از راه و رسم و مهارت کاری را دانستن». (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۶۲)؛ «سنگتان را وا بکنید» (ص ۳۵)، «کنایه از حساب و کتاب خود را با کسی روشن کردن، حرف آخر خود را گفتن و مطلبی را ناگفته نگذاشتن، مترادف: حرف خود را تمام کردن با کسی». (نجفی، ۱۳۸۷: ۹۲۴)؛ «چشم به دهان او دوخته بود» (ص ۵۷)، «کنایه از خیره شدن به دهان کسی و اطاعت محض از او داشتن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۲۷)؛ «سیاه سر شدن: کنایه از زن جوان و آرومند» (ص ۷۰)؛ «یک دامن تر بدهد: کنایه از فرزند عطا کند» (ص ۷۰)؛ «انداز برانداز می‌کرد: کنایه از زیر نظر داشتن کار دوخت و دوز» (ص ۸۴)؛ «راه خانه: کنایه از رسم پاگشا کردن» (ص ۹۳).

اما جدای از کنایات، علوم دیگر بلاغی را می‌توان در کتاب دید. مثل «تلمیح» که در عبارت «کام بچه را با خاک تربت برداشتن» (ص ۱۵۶)، آشکار است و اشاره دارد به روایت امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّهَا أُمَانٌ/ کام فرزندان را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید؛ چرا که مایه ایمنی است» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶ ص ۷۴ ح ۱۴۳). اما بهره‌گیری از استعاره مکنیه نیز در نوشتار کتاب، دیده می‌شود. آنجا که «ایران‌خواهی» با استعاره مکنیه به تصویر کشیده شده: «روزی که علیرضا آمد و خبر داد: برای عید فطر برمی‌گردیم ایران. انگار دنیا را در آغوش من گذاشتند. آنقدر خوشحال شدم که بی‌اختیار بغض کردم. او هم سری تکان داد که ای خاتون! مگه اینجا به اسیری بودی؟! این چه ذوق برگشتنی است که داری؟!» (ص ۱۱۶)

از دیدگاه علم بیان، در جمله «دنیا را در آغوش من گذاشتند.» دنیا انگار کودکی است (استعاره مکنیه / تشخیص) که به آغوش کشیده شده و یا «دنیا» مجاز از ایران است (مجاز کل و جزء) و از منظر علم بدیع معنوی هم، صنعت «اغراق» در آن مشهود است.

نیز در جمله:

«اکنون قلم را در این سیاهی شب به دل سپید کاغذ می‌زنم» (ص ۲۱۶)، تضاد در «سپید و سیاه»؛ اضافه

زنجر و پابندهای چوبی» (ص ۲۱۲)؛ «سوله: شلخته» (ص ۲۳۱)؛ «کوت: پشت/ توده» (ص ۲۳۲)؛ «لاژه: نوازش» (ص ۲۵۵)؛ «آئی: بابا/ پدر» (ص ۲۷۸).

۳.۱.۹. بخش ترکیبات

در این بخش نیز برخی ترکیبات، شایان بررسی است. از آنگونه: «دختر طلب: خواستگاری» (ص ۲۵)؛ «خُسور خیل: طایفه پدرزن» (ص ۵۱)؛ «خُسور مادر: مادر زن» (ص ۵۳)؛ «فاطمه آغی: آغا/ بزرگ/ خاتون» (ص ۹۹)؛ «جاده‌های خام: غیر آسفالت» (ص ۱۰۶)؛ «سرک‌های پخته: آسفالت» (ص ۱۰۶)؛ «پال پال: پخش و پلا» (ص ۲۳۲)؛ «دل گفک: دل آزرده» (ص ۲۵۰)؛ «پایک زدن: منتظر بودن» (ص ۲۵۰)؛ «طوبایک بابا: طوبای دوست داشتنی پدر» (ص ۲۶۶). پسوند «ک» در طوبایک، از گونه «تحبیب: دوست گردانیدن» است. پسوند «ک»، گونه‌های دیگری^۹ نیز دارد.

۲.۹. قلمرو ادبی

مختصات ادبی، برای زیباسازی کلام سطوحی دارد. از این رو شایسته است متن را از منظر علم معانی، بیان، بدیع و موسیقی بررسی کرد. کتاب خاتون قوماندان نیز برای تأثیرگذاری در مخاطب با قلم بلاغی، رقم خورده است. اما کنایات آن، بسامد شایانی دارد. «کنایه [نیز] یکی از حساس‌ترین مسائل زبان است» (شمیسا، ۱۳۹۲: الف: ۲۷۹) از آنجا که کنایه نیز رسیدن از یک سطح به سطح دیگر است و ارتباطی بین دو سوی حاضر و غایب ایجاد می‌کند، جنبه هنری و ادبی دارد» (شمیسا، ۱۳۹۲: الف: ۲۸۰). نویسنده هم با بهره‌گیری از کنایه و ادبیات عامیانه، عواطف و احساسات داستان را به مخاطب القا می‌کند تا ذهن وی را برای دریافت پیام پایداری، اقناع کند. کنایات کتاب، گاه مفاهیم متقابل و متضاد را بیان می‌کند. در زیر به برخی از کنایه‌های کتاب، اشاره می‌شود:

«از زیر تیغ ناامنی‌ها جان به در بردن» (ص ۹)، «کنایه از زنده ماندن، تیغ ناامنی: اضافه تشبیهی»؛ «فیروزه خانم مرا به دندان می‌گیرد» (ص ۱۰)، «کنایه از به سختی بزرگ کردن»؛ «جنگ بسیاری را به کام مرگ کشانده و هستی‌شان را سوزانده» (ص ۱۰) «کنایه از نابود کردن»؛ «مادرم سرم قار

استعاره‌ی در «دل کاغذ» دیده می‌شود.

همچنین در جمله «ای اشک‌ها! شما را به خدا مرا مهلتی بدهید تا چند سطر از حرف‌هایم را بنویسم» (ص ۲۱۶). استعاره مکنیه در «ای اشک‌ها!» به چشم می‌آید که به تعبیر دیگر، منادای تشخیصی / جان‌بخشی است.

نیز در بند:

«یک سال است که مرد زندگی ام، پدر فرزندانم، فرسنگ‌ها دورتر از ما، به گفته خودش سر کار است. کار که نه پیکار!» (ص ۲۱۶) جناس ناهمسانِ افزایشی (مُطَرَف) در «کار- پیکار»، آشکار است.

همچنین در جمله:

«دوازده سال است که با شروع ماه مهر، افسوس‌ها و افسون‌های من هم شروع می‌شود» (ص ۱۹)، جناس ناهمسانِ اختلافی در «افسوس - افسون» و مراعات نظیر در «سال، ماه، مهر» و واژه‌آرایی / تکرار، در کلمه «شروع» دیده می‌شود.

۹.۳. قلمرو فکری

مختصات فکری که مکتب نوشته و اثر را بررسی می‌کند درواقع باورها، جهان‌بینی و اندیشه‌های جاری در هر نوشته را روشن می‌سازد. از این رو کتاب *خاتون و قوماندان* بر پایه مکاتب «کلاسیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سوررئالیسم، ناتورالیسم» پی ریزی شده و ساختار بسیاری از نوشته‌ها، نامه‌ها و خاطرات، بر پایه عاطفه (مکتب رمانتیسم) است چراکه از زبان یک زن که نماد عطوفت بوده، جاری شده (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۴۵) اما با مکتب رئالیسم و ناتورالیسم، وقایع تلخ و شیرین؛ حق و باطل به تصویر کشیده شده است.^{۱۰} نویسنده از زبان خاتون در کنار شرح وقایع، آموزه‌هایی از ادب تعلیمی- عرفانی را پیش چشم می‌نهد. آنجا که درس قناعت و خرسند بودن به زندگی را می‌آموزاند. چنانچه دوران دبستان را تنها با دو جفت کفش، دو مانتو، یک مداد رنگی و یک کیف می‌گذراند. زیپ کیف مدرسه را زیاد، باز و بسته نمی‌کند که مبادا خراب شود (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۲ و ۱۳). مداد رنگی را زیاد نمی‌تراشد، چون توان خریدن دوباره آنها را ندارد (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۳). تهمت را تحمل می‌کند تا اینکه با صبر، حقیقت روشن شود (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۶۰). پدرش پوست پسته‌ها را

برای سوخت، جمع‌آوری می‌کند... خاتون، خود در این باره می‌گوید: «... پدرم مثل ما می‌نشست و پسته می‌شکست و پشم (پوست بیرونی پسته) باز می‌کرد. مادرم دو من پسته از مغازه‌ای در گلشهر می‌گرفت، مغز می‌کردیم و مغزها را تحویل می‌دادیم. گونی گونی پسته می‌آوردند و همه اعضای خانواده می‌نشستیم و می‌شکستیم. ما بچه‌ها هم مشق می‌نوشتیم هم پسته می‌شکستیم. مادرم یک ظرف مخصوص داشت. به هر کدامان یک قسمت می‌داد و ما باید اول پسته‌هایمان را می‌شکستیم بعد سر مشق یا بازی یا تماشای تلویزیون می‌رفتیم. پدرم، مرد کار و بنایی، به حالتی خیلی غریب، گوشه‌ای می‌نشست و پسته می‌شکست. تنها تفریح پدرم بیرون رفتن برای وضو گرفتن بود و تنها درآمدان همین پسته‌ها. پدرم پوست پسته‌ها را جمع می‌کرد و آنها را درون گونی می‌ریخت و گوشه انباری می‌گذاشت. خیلی هم با دقت این کار را می‌کرد، حتی یک پوست را هم از دست نمی‌داد. این پوست‌ها در زمستان، هیزم آتش بخاری مان بود. از نفت خریدن راحت بودیم. دود و آلودگی داشت، اما هزینه‌ای نداشت، چای جوش و چایک (قوری) مادرم روی همان بخاری جور می‌شد. روی همان بخاری هم پخت و پز داشت» (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۷ و ۱۸).

این سختی‌ها و بیش از این‌ها، همه و همه، خاتون را می‌سازد. خاتون پیوسته با نگاه عرفانی جهان را می‌نگرد. جهان‌بینی خاطرات خاتون با مکتب کلاسیسم و زبان ادبی، ترسیم می‌شود. چنانچه بُن‌مایه نوشته زیر با لوازم مدرسه و سمبل‌های دانش‌اندوزی ولی با آموزه‌ها و معانی اخلاقی، نگاشته شده است: «دلم می‌خواست قبل از آنکه وقت تمام شود، قبل از آنکه آخرین زنگ دنیا بخورد، قبل از آنکه امتحان نهایی قیامت شروع شود، سر کلاسی می‌نشستم که خدا معلمش بود؛ خدا درسش بود؛ خدا امتحانش بود. آن وقت آن هزار و یک سؤالی را که در چهارگوشه ذهنم جا مانده، با آن همه اِشکالی که از ثلث اول عمرم کنارشان علامت سؤال گذاشته ام، از اولین و آخرین معلم دنیا، از خدا، می‌پرسیدم. دلم می‌خواست درباره دل‌پیرسم، درباره خاصیت اشک، خاصیت ذکر، خاصیت آه و دعای توسل، دلم می‌خواست از خدا بپرسم راه‌های آسمانی را چطور می‌توان کشف کرد و نردبانی که به هفتمین آسمان می‌رسد چند پله دارد. دلم می‌خواست بپرسم پرده غیبت چه رنگی

کند. به هر روی کتاب خاتون و قوماندان، حقایق و وقایع تلخ و شیرین را در محور همنشینی و جانشینی کلمات و ترکیبات با یاری معانی و بیان و بدیع به گونه‌ای چیده است که می‌توان مضمون نوشته‌ها را محسوس کرد. نویسنده با علوم بلاغی، نوشتار را آراسته و با مکاتب ادبی «کلاسیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سوررئالیسم و ناتورالیسم»، جهان‌بینی عرفانی خاتون را با زبان عاطفه، آشکار ساخته و یکی از رازهای شهادت قوماندان را در رفتارهای مهرورزانه وی با همسر شناسانده است. نویسنده با بهانه خاطره نگاری، مکتب سرخ مقاومت را با مفاهیم دینی، سبز و روبان، نشان داده است تا جایی که مخاطب خود می‌تواند به این دستاورد برسد که خاتون بر مبنای ایمان، پا به پای شهید توسلی به توکلی دست یافت که پایمردی در برابر نابرابری‌ها برای وی آسان شده بود. بر این پایه بایسته است که به روایت گذشت‌ها و پایمردی‌های ابرمردها در برابر هجوم نابرابری‌ها با قلم ادبیات پرداخت. همچنین نشان دادن نقش مبنایی زن، دوشادوش مردان مقاومت، انگیزه پایداری را در جامعه تقویت می‌کند که در این کتاب، به خوبی این نقش‌آفرینی یک زن، دیده می‌شود. به هر روی، نقد ادبی کتاب خاتون و پرداختن به رخدادهای رئالیستی و آرمان‌گرایی‌های سوررئالیستی آن، به منظور برجسته‌سازی آرایه‌های ادبی، از آن جهت اهمیت دارد که ادبیات مقاومت و آثار پایداری، با نقد ادبی و سنجش مستند و معیار، پایا و پویا خواهد ماند. در نتیجه انگیزه‌ای برای مقاومت در برابر جبهه دشمن، ایجاد خواهد شد و راه را برای جنبش‌ها و خیزش‌های پیش روی جامعه عدالت‌خواه تا برپایی عدالت اصیل فراهم می‌کند.

است و حقیقت پشت آنها چه شکلی است. کاش می‌شد بپرسم وقتی عشق ضرب در قلب می‌شود، وقتی خدا به اضافه انسان می‌شود، وقتی شهید به توان ابدیت می‌رسد، حاصلش چقدر می‌شود. کاش جرأت داشتم و می‌پرسیدم خدایا! عشق چند بخش است؟ چون مطمئنم یک بخش نیست. دلم می‌خواست بپرسم، تاریخ اولین دوستی کی بود و اولین لیخنند کی اتفاق افتاد و مهربانی از کجا شروع کرد؟ (قربان‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۹).

باری! به خوبی می‌توان دید که در قالب خاطرات، واژه‌ها و ترکیب‌های «آخرین زنگ دنیا؛ امتحان نهایی قیامت و...» با علوم بلاغی آراسته شده اما ادبیات اندرزی و عرفانی در آن گنجانده شده و از سویی با نگاه مکتب «سوررئالیستی»، آرمان‌گرایی‌های توحیدی خاتون نیز در آن متجلی شده است.

۱۰. دستاورد

نقد و بررسی آثار ادبیات جبهه مقاومت، نقش والایی در آشکارسازی پایمردی‌های ابرمردان در برابر هجوم نابرابری‌ها خواهد داشت. از سویی اهمیت دادن به نقد ادبی و سنجش آثار مقاومت، مکتب درسی را به مکتب پویا تبدیل می‌کند. یعنی راه را برای خلق آثار بدیع حماسی، هموار کرده و می‌تواند انقلابی در آفرینش ادبیات پایداری ایجاد کند. اما نقد ادبی کتاب «خاتون و قوماندان» که «خاطرات پایمردی‌های ابوحامد / فرمانده لشکر فاطمیون افغانستان» بوده و اثری فرامرزی است می‌تواند فصلی نو در اتحاد محور مقاومت، فراتر از مرزهای ایران، ایجاد

فهرست منابع

- اسلامی، اکرم (۱۴۰۰)، *تنها گریه کن: روایت زندگی اشرف سادات منتظری / مادر شهید محمد معماریان*، چ هفتم، قم: حماسه یاران.
- حافظ (۱۳۹۳)، *شاخ نیت حافظ، شرح غزل‌ها...*، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، چ هفتم، تهران: زوار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، دوره ۱۶ جلدی، تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب‌الأحكام*، دوره ده‌جلدی، گردآوری: علی آخوندی، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۲ الف)، *بیان، ویراست چهارم*، تهران: میترا.
- _____ (۱۳۹۲ ب)، *مکتب‌های ادبی*، چ چهارم، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۹۱)، *نقد ادبی*، چ نخست از ویراست سوم، تهران: میترا.
- غیبشی، رضیه (۱۳۹۹)، *خانم کارکوب: روایت زندگی مادر شهید کارکوب‌زاده*، چاپ پنجم، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- قربان‌زاده، مریم (۱۴۰۲)، *خاتون و قوماندان*، چ ۱۶، مشهد: نشر ستاره‌ها.
- گنّانی، غسان (۱۳۶۲)، *ادبیات مقاومت در فلسطین / اشغالی ۱۹۴۸ - ۱۹۶۶*، ترجمه موسی اسوار، تهران: نشر سروش.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی عامیانه*، چ دوم، تهران: نیلوفر.